

تحلیل حقوقی تأثیر پیشنهاد کیفری بر فرآیند ثبت‌نام داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی

امین‌اله زمانی • استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
zamani@ujscs.ac.ir

علی حاجی‌حسینی • دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hajihosseini.ali@ut.ac.ir

چکیده

قانون-گذار جمهوری اسلامی ایران، شرایطی را برای تعیین صلاحیت داوطلبان تصدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی تعیین کرده است. در فرآیند انتخابات، «پیشینه کیفری» داوطلبان در روند ثبت‌نام و همچنین تشخیص صلاحیت آنان به‌عنوان یکی از شرایط پیش‌گفته تأثیر اساسی دارد. هر چند در خصوص پیشینه کیفری قواعدی وضع شده است، اما ابهام جدی در مفهوم و میزان تأثیر پیشینه کیفری در فرآیند انتخابات، موجب تشتت اساسی نظرات نهادهای مرتبط و مراجع تعیین صلاحیت داوطلبان شده است. نگارندگان در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی سعی کرده‌اند که با تدقیق در قوانین و مقررات مرتبط و ارائه طبقه‌بندی جدید، تأثیر پیشینه کیفری داوطلبان را در فرآیند «ثبت‌نام» مورد سنجش و بررسی حقوقی قرار داده، و تأثیر پیشینه کیفری بر تشخیص صلاحیت داوطلبان را به‌مجال دیگر واگذار نمایند. یافته‌های پژوهش نمایان‌گر است که با بازتعریف پیشینه کیفری در قوانین جزایی و انتخاباتی، پیشینه کیفری به‌صورت موقت یا دائم می‌تواند مانع از داوطلبی نمایندگی مجلس در مرحله ثبت‌نام باشد.

واژگان کلیدی: انتخابات مجلس شورای اسلامی، حقوق اجتماعی، مجازات‌های تکمیلی، پیشینه کیفری.

مقدمه

انتخابات به عنوان مهم ترین عرصه حضور مردم در صحنه تصمیم گیری برای تعیین سرنوشت خویش در جوامع مردم سالار شناخته می شود، در نتیجه، انتخاب نامزدهای مورد نیاز برای تصدی مسئولیت ها اهمیتی معادل تعیین آینده یک نظام و مملکت را دارد که از طریق رأی دادن محقق می شود و رأی دهنده با انجام این عمل حقوقی و سیاسی که به وسیله آن نماینده یا نمایندگان انتخاب می گردند، در اداره ی امور سیاسی جامعه ی خود، مشارکت می کند. انتخابات مهم ترین تجلی مردم سالاری و شاخصی برای میزان نقش آفرینی مردم در نظام های سیاسی امروزی است که از طریق آن اراده مردم در شکل گیری نهادهای اساسی، مقامات و تصمیم گیری در امور اجرایی و اقتصادی خود اعمال می شود. (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

در میان موضوعات و مراحل جریان انتخابات، بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات از اهمیت به سزایی برخوردار است. وجود یک نظام نظارتی قدرتمند و بی طرف بر داوطلبی، از یک طرف ضامن تنوع اندیشه ها و گروه های مختلف سیاسی، برابری و رقابتی بودن مشارکت سیاسی در انتخابات بوده و از طرف دیگر مانع ورود اشخاص فاقد شرایط قانون و همچنین افزایش غیرمنطقی داوطلبان می گردد (یاوری، ۱۳۹۶: ۱). بر این اساس، بررسی شرایط حضور داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، باید مبتنی بر ضوابط و اصول خاصی صورت پذیرد. در این ارتباط یکی از مهم ترین مؤلفه های نظارت بر بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس در امر انتخابات، بررسی وضعیت پیشینه کیفری داوطلب است.

یکی از سؤال های مهم در فرآیند بررسی صلاحیت داوطلبان آن است که آیا پیشینه کیفری و عنوان مجرمانه ارتكابی از سوی داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی تأثیری بر ثبت نام آن ها در فرآیند انتخابات دارد یا خیر؟ در صورتی که پاسخ به سؤال پیش گفته مثبت باشد، ابهام بعدی آن است که تأثیر پیشینه کیفری بر صلاحیت فرد برای ثبت نام در انتخابات تا چه حد و میزان خواهد بود؟ رفع ابهام و ایجاد شفافیت در تأثیر پیشینه کیفری در فرآیند انتخابات مجلس شورای اسلامی و جلوگیری از تشتت نظرها میان نهادهای مرتبط و یا مراجع تعیین کننده صلاحیت، مهم ترین ضرورت این پژوهش است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد تحقیقاتی در ارتباط با پیشینه کیفری و یا محرومیت از حقوق اجتماعی از منظر حقوق کیفری انجام شده است که از جمله این موارد می توان به کتاب های مرجع حقوقی از قبیل حقوق جزای عمومی دکتر اردبیلی و مقالاتی چون «مطالعه تطبیقی نهاد سجل قضایی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه» نوشته بابک پور قهرمانی و مهرداد تیموری (۱۴۰۱) و «بررسی سجل کیفری و عدم سوء پیشینه در حقوق ایران» نوشته ماهرخ شریفی و محمدحسین رجبیه (۱۳۹۵) اشاره کرد لیکن، پژوهشی مستقل در خصوص تأثیر پیشینه کیفری بر صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی و فرآیند انتخابات انجام نشده است، ضمن اینکه تصویب قانون جدید انتخابات مجلس شورای

اسلامی و تعارض ظاهری میان بند (۸) ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ با ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نیز بر تمایز و جدید بودن موضوع این مقاله افزوده است. پیشینه کیفری گاهی در بررسی صلاحیت داوطلب مؤثر نیست و گاهی نیز باعث محرومیت دائم فرد و یا منجر به محرومیت موقت فرد از ثبت نام از داوطلبی می گردد؛ بنابراین محرومیت از حقوق اجتماعی داوطلبی در انتخابات، یکی از مصادیق واکنش جامعه در مقابل بزهکاری است؛ بدین معنا که افراد در اثر محکومیت کیفری نسبت به برخی از جرائم، با توجه به جایگاه نمایندگی مجلس شورای اسلامی، به صورت دائم یا موقت از داوطلبی محروم می گردد.

۲. مفاهیم

۲.۱. تشخیص صلاحیت

صلاحیت در لغت و در واژه نامه های حقوقی به معنای «اختیار صورت دادن کارها برای مأمور رسمی در حدود قانون» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۴۴۸) تعبیر شده است. تشخیص صلاحیت در اصطلاح ادبیاتی انتخاباتی، «تطبیق و احراز شرایط قانونی نمایندگی مجلس شورای اسلامی با وضعیت داوطلبان است. بررسی صلاحیت کاندیداها فرایندی است که طی آن، افراد واجد شرایط قانونی توسط مراجع ذیصلاح مشخص می شوند و شرایط انتخاب شوندگان با متقاضیان ورود به پارلمان تطبیق داده می شود» (خسروی، ۱۳۸۷: ۷۲۱). این صلاحیت تنها ناظر بر بررسی شایستگی های اولیه داوطلبان برای تصدی امر نمایندگی مجلس شورای اسلامی است و نافی صلاحیت و اهلیت آن ها برای سایر مناصب و جایگاه ها نخواهد بود و در همین راستاست که قانون گذار در ماده (۵۸) قانون انتخابات مجلس^۱ بر پاسخ دهی مراجع استعلام شونده در خصوص سوابق داوطلبان تنها نسبت به شرایط مذکور در قانون انتخابات تأکید کرده و پاسخ استعلام غیر مرتبط با شرایط مقرر در قانون را مستوجب مجازات دانسته است.

بررسی صلاحیت های داوطلبان مجلس شورای اسلامی باید مبتنی بر اصول و قواعد خود صورت پذیرد. اصل حاکمیت قانون، حق استماع دفاعیات، مستند و مستدل بودن و اصل عدم صلاحیت از زمره این اصول هستند. اصل حاکمیت قانون به معنای تبعیت کلیه امور از جمله امور عمومی کشور از قانون و مقررات می باشد.

۱ - ماده ۵۸ - وزارت کشور و شورای نگهبان به منظور بررسی سوابق داوطلبان در رابطه با شرایط مندرج در این قانون، روزانه اطلاعات کامل ثبت نام داوطلبان را حسب مورد به مراجع ذی صلاح از جمله وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان ثبت احوال کشور، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و قوه قضائیه ارسال می کنند. مراجع مزبور مکلف اند ظرف مهلت ده روز نسبت به ارسال پاسخ در خصوص هر یک از افراد اعلام شده به صورت مکتوب و مستدل به همراه اسناد و مدارک اقدام نمایند. پاسخ مراجع مزبور باید تنها ناظر به وجود سوابق در خصوص شرایط مذکور در قانون باشد. مراجع مزبور مکلف اند در صورتی که هر یک از داوطلبان فاقد هر گونه سابقه ای نزد آنان باشد، در پاسخ ارسالی، نسبت به این موضوع تصریح کنند.

(منصوری نیا، ۱۴۰۰: ۸۷۵). این اصل تأکید دارد که رفتارها و تصمیمات مقامات عمومی و اداری باید در چهارچوب قوانین و مقررات انجام و اتخاذ شود که نتیجه آن پاسخگویی کلیه مسئولان و شهروندان در برابر قانون و مردم و حاکمیت است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۷۴). بر اساس این اصل و تأکید اصل (۵۲) قانون اساسی^۱، مراجع تعیین‌کننده صلاحیت و شرایط نمایندگی مجلس نیز در قانون و به‌ویژه در مواد (۳۱) تا (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ تبیین شده است. هرچند که مطابق اصل (۹۹) قانون اساسی و همچنین ماده (۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان است که این نظارت نیز بر اساس نظر تفسیری شماره‌ی ۱۲۷۴ مورخ ۱۳۷۲/۷/۱ استصوابی و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها می‌شود، لیکن قانون‌گذار در فرایند انتخابات، احراز و تطبیق برخی از این شرایط که بیشتر شرایط عینی و شکلی است را به‌صورت ابتدایی بر عهده نهادهای ذی‌ربط دیگر نیز قرار داده است (در این پژوهش بر عهده قوه قضائیه) و شورای نگهبان به‌صورت غالب بر شرایط ماهوی و کیفی نمایندگی که بعد از فرایند ثبت‌نام داوطلبان است، نظارت دارد.

بر اساس اصل استماع دفاعیات، هیچ‌کس را نمی‌توان محکوم کرد مگر اینکه فرصت معقولی به وی داده شود تا دلایل و دعاوی خود را مطرح نماید (گرچی، ۱۳۸۹: ۳۵۳). حق بر استماع از جمله حقوقی است که مقامات حکومتی در اعمال صلاحیت‌های خود باید آن را مدنظر قرار دهند (رضایی زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۳۳). داوطلب نمایندگی می‌بایست بتواند در صورتی که صلاحیت وی احراز یا تأیید نشود، در زمان مناسب توضیحات و دفاعیات خود را به مقام تعیین‌کننده صلاحیت ارائه نماید. این موضوع در مواد ۶۲ و ۶۴ قانون انتخابات مجلس و تبصره (۲) قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام موردتوجه قرار گرفته است.

مستند و مستدل بودن بررسی صلاحیت داوطلبان بدان معناست که این فرایند می‌بایست «بر اساس مدارک و اسناد معتبر»^۲ باشد. رسیدگی بر اساس مدارک و اسناد معتبر موجب بررسی عادلانه است و نشانه‌ای است که تصمیم‌های دولتی و یا نظرات مراجع ذی‌ربط در بررسی صلاحیت بر اساس دادرسی و معیارهای قانونی و فارغ از هرگونه تصمیم شخصی و در نتیجه رعایت اصل بی‌طرفی است (زارعی، ۱۳۷۶: ۳۷ و ۳۸). این موضوع باید مبتنی بر معیارهای عینی و کمی و به‌گونه‌ای شفاف باشد تا امکان برداشت‌های مختلف در این خصوص وجود نداشته باشد. (منصوریان و باقری خوزایی، ۱۴۰۳: ۲).

۱- اصل ۵۲ قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و برای مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

۲- تبصره‌ی ماده (۶۰) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۲.۲. فرآیند انتخابات

انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار به عنوان یک شیوه مشروع و قانونی مبتنی بر اراده عمومی برای چرخش قدرت و اداره کشور است. (عباسی لاهیجی، باقری خوزانی و فراهانی، ۱۴۰۲: ۳۰)، اما تاکنون تعریف دقیقی از خود فرآیند انتخابات ارائه نشده است. فرایند انتخابات را می‌توان مبتنی بر معیارهای متفاوت تعریف و شناسایی کرد. فرآیند انتخابات را می‌توان حسب عنصر «زمان» به صورت مضیق و موسع تبیین کرد. در تعریف زمانی مضیق - که متبادر عرفی و مرسوم در برخی از گفته‌ها و نوشته‌های رسمی است - فرآیند انتخابات ناظر به روز و زمان رأی‌گیری و شمارش آرا و نتیجه اولیه انتخابات آن است. تعریف موسع، فرآیند انتخابات را مجموعه و رشته‌ای از اقدامات قانونی می‌داند که در طول زمان برای هدف نهایی انتخابات یعنی تثبیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی جریان دارد. فرآیند انتخابات در دیدگاه موسع را می‌توان بر اساس عناصر متفاوت در آن به شکل‌های مختلف تعریف کرد. از منظر عنصر «زمان معطوف به هدف» می‌توان مبدأ فرآیند انتخابات را زمان اعمال اولین اقدام قانونی و مؤثر در فرآیند انتخابات، یعنی استعفای مضمحلان ماده (۳۲) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تا آخرین فرایند آن یعنی تصویب اعتبارنامه منتخبان در مجلس شورای اسلامی دانست. باین‌حال شاید بتوان به استناد ماده ۵۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی^۱ - که در آن وزیر کشور را موظف به صدور دستور «شروع فرآیند انتخابات» کرده است - مبدأ فرایند انتخابات در تعریف پیش‌گفته را تاریخ شروع ثبت درخواست متقاضیان انتخابات دانست که حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۱۰ روز قبل از شروع ثبت‌نام الکترونیکی موضوع ماده (۵۳) قانون انتخابات در هر دوره از انتخابات است.^۲ به نظر می‌رسد قانون‌گذار معتقد است که ثبت رسمی تقاضای بررسی مدارک اولیه از سوی افراد، مرحله‌ای همه‌شمول، عینی‌تر و قابل‌اتکاتر از مرحله استعفای مضمحلان ماده (۳۲) برای مبدأ فرآیند انتخابات است. از منظر عنصر «اعمال حق انتخاب شدن»، فرآیند انتخابات از زمان اطلاق تعریف «متقاضی» تا «نماینده‌گی» است. در این تعریف، فرآیند انتخابات بر چهار مرحله استوار است (قیصری، ۱۳۹۴: ۲۴). مرحله اول، در این مرحله اشخاصی که تصمیم اولیه برای اعمال حق انتخاب شدن را با ثبت درخواست خود مطابق ماده (۵۴) قانون انتخابات اتخاذ می‌کنند «متقاضی» نامیده می‌شوند. مرحله دوم، شامل اشخاصی است که شرایط اولیه مرحله اول را کسب نموده‌اند و با ثبت‌نام مطابق

۱- «وزیر کشور موظف است حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۱۰ روز قبل از شروع ثبت‌نام الکترونیکی موضوع ماده (۵۳) این قانون، دستور شروع فرایند انتخابات را صادر کند.»

۲ - در انتخابات مجلس دوازدهم و در تأیید این نظریه، بخش‌نامه وزارت کشور که در سایت این وزارتخانه قرارگرفته زمان شروع فرآیند انتخابات را پانزدهم مردادماه دانسته بود. (۴۴/۲۰۰۰D/%/news/ www.moi.ir/https://)

ماده (۵۳) قانون انتخابات، به عنوان «داوطلب» در فرآیند انتخابات حاضر می‌شوند. مرحله سوم، پس از تأیید صلاحیت نهایی داوطلب آغاز می‌شود که به او «نامزد» گفته می‌شود.^۱ در صورتی که نامزد در کارزار انتخابات، آرای لازم را برای کرسی نمایندگی کسب نماید، «منتخب» نامیده می‌شود.^۲ (مرحله چهارم) در پایان با تصویب اعتبارنامه منتخب در مجلس شورای اسلامی، حق انتخاب شدن با عنوان «نماینده» استیفا خواهد شد. فرایند انتخابات را نیز می‌توان از منظر رأی‌دهندگان و یا طرفداران به صورت «عرفی» تعریف و آن را شامل شروع تبلیغات انتخابات تا اعلام صحت انتخابات در حوزه انتخابیه دانست. از منظر «اقدامات قانونی» فرایند انتخابات را می‌توان شامل مراحل اجرایی آن یعنی ثبت تقاضا (پیش ثبت نام)، تشکیل هیئت‌های اجرایی و نظارت، ثبت نام از داوطلبان، بررسی صلاحیت داوطلبان، تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی، رأی‌گیری و شمارش آراء، تأیید صحت انتخابات و تصویب اعتبارنامه منتخبان دانست. از نظر نگارندگان، فرایند انتخابات از زمان صدور دستور شروع انتخابات از سوی وزارت کشور تا زمان تصویب اعتبارنامه منتخبان در مجلس شورای اسلامی است.

۲.۳. پیشینه (سجل) کیفری

سجل کیفری در لغت به معنی عهدنامه، نامه احکام، نامه‌ای که قاضی در آن صورت دعاوی و حکم و اسناد را نویسد (معین، ۱۳۸۷: ۵۳۷). از جهت حقوقی سجل کیفری همان شناسنامه کیفری است که در آن پیشینه و سوابق ارتکاب جرم یا محکومیت کیفری و یا مدنی اشخاص ثبت می‌شود. به عبارت دیگر سجل کیفری شناسنامه هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی در رابطه با وضع قضایی خودش می‌باشد (پور قهرمانی و تیموری، ۱۴۰۱: ۶۳). «این سجل، امکانی را به صاحب منصبان قضایی می‌دهد که با شناخت شخصیت بزهکار، در تطبیق مجازات متناسب، تخفیف، تشدید یا تعلیق مجازات وی تدابیر شایسته اتخاذ کنند و مقامات و مسئولان کشوری را در تشخیص صلاحیت افراد در امکان ورود به برخی مشاغل کمک خواهد کرد» (شریفی و رجیبه، ۱۳۹۵: ۲۶). مفهوم خاص دیگری که با پیشینه کیفری مرتبط است. «سوء پیشینه کیفری» است. سوء پیشینه کیفری عنوان عرفی مفهوم «محکومیت کیفری مؤثر» در قانون مجازات اسلامی است. مطابق تبصره ماده (۴۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محکومیت کیفری مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس

۱ - مستفاد از ذیل ماده ۶۴ قانون انتخابات که اشعار می‌دارد: «... تنها داوطلبانی که صلاحیت آن‌ها تأیید شده است می‌توانند به عنوان نامزد خود را در معرض انتخاب شدن برای نمایندگی قرار دهند.»

۲ - مستفاد از مواد مختلف (مانند مواد ۹، ۹۸ و ...) قانون و از جمله بند ب ماده ۴ قانون انتخابات که اشعار می‌دارد: «ب- اعتبارنامه منتخبین به تصویب مجلس نرسد.»

ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.» این محکومیت‌ها نیز مشتمل بر محکومیت‌های قطعی در جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۲۵) قانون مذکور است.

۲.۴. حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی در تعریف حقوقی خود «حقوقی [است] که مقنن برای اتباع خود در روابط با مؤسسات عمومی مقرر داشته است؛ مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه و انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی و در هیئت منصفه، ادای شهادت در مراجع رسمی، داوری و مصدق واقع شدن» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۰). از جهت قانونی نیز قانون‌گذار مصادیق حقوق اجتماعی را در ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کرده است. در این مقاله معنای عام پیشینه کیفری که اعم از سوءپیشینه کیفری است مورد بررسی و مدنظر خواهد بود. سلب حقوق اجتماعی ناشی از محکومیت کیفری مؤثر می‌تواند به صورت موقت و یا همیشگی باشد.

داشتن حقوق اجتماعی مستلزم این است که هر فرد، فاقد سوءپیشینه کیفری باشد و در این باره، باید گواهی نداشتن سوءپیشینه ارائه کند. بر اساس ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی «بعد از محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت‌زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی، محروم می‌کند.»

بنابراین از جمله تبعاتی که داشتن سوءپیشینه یا سوءسابقه کیفری برای افراد به دنبال خواهد داشت، سلب صلاحیت از انجام برخی از امور است. محرومیت از حقوق اجتماعی، از مصادیق مجازات سالب حق است که مقنن آن را در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی عنوان کرده است.

۲.۵. محرومیت از حق اجتماعی داوطلبی مجلس شورای اسلامی (محکومیت مؤثر)

وفق تبصره (۲) ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی و متفاوت از سایر محرومیت‌های اجتماعی، در صورت ارتکاب جرائم موضوع ماده (۲۵) همان قانون، مرتکب برای همیشه از داوطلبی مجلس محروم خواهد گردید؛ بنابراین ارائه سوءپیشینه توسط نامزدهای انتخاباتی به هیئت‌های بررسی‌کننده صلاحیت و شورای نگهبان غلط مصطلحی است که در این ارتباط اتفاق می‌افتد. در واقع در این ارتباط با توجه به اهمیت جایگاه مذکور، مقنن ترتیبی اتخاذ نموده است تا مرتکب، در ارتباط با امکان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نتواند حق اجتماعی خود را بازیابی نماید.

۳. تأثیر پیشینه کیفری بر فرآیند انتخابات

پیشینه کیفری موضوع مرتبط با سوابق و شناسنامه کیفری اشخاص حقیقی یا حقوقی است. اشخاص حقیقی که در فرآیند انتخابات نقش دارند شامل انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان است و از مهم‌ترین مصادیق اشخاص حقوقی مؤثر در فرآیند انتخابات نیز می‌توان به احزاب و جبهه‌های سیاسی اشاره کرد. هرچند که در برخی از کشورها یکی از شرایط رأی دادن فقدان پیشینه کیفری در خصوص برخی از جرائم شدید است لیکن در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار چنین موضوعی را برای انتخاب‌کنندگان شرط ندانسته و تنها به سه شرط تابعیت، سن و عقل اکتفا کرده است.^۱ باین‌حال تنها در یک مورد، قانون‌گذار به‌موجب تبصره (۲) ماده (۳) قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۸، اشخاص حقیقی که دارای محکومیت به جرائم اقتصادی هستند را از تأمین و کمک مالی یا غیرمالی به نامزدهای انتخابات ممنوع کرده است. به نظر می‌رسد تأثیر پیشینه کیفری احزاب و گروه‌های سیاسی در فرآیند انتخابات را تنها در مصداقی که دادگاه حسب مجازات صادرشده به‌موجب ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی، حزب را به‌صورت موقت از یک یا چند حق قانونی در فرآیند انتخابات از جمله ارائه فهرست انتخاباتی^۲، فعالیت تبلیغاتی^۳ و یا ممنوعیت تأمین مالی یا غیرمالی به نامزدهای انتخاباتی^۴ محروم کرده باشد بتوان تصور کرد. انتخاب شدن به‌عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی یکی از مصادیق اصلی حقوق اجتماعی است. نمایندگان در مقایسه با سایر افراد باید دارای تعهد بیشتر و وفاداری به قانون و مبلّغ اجرایی شدن درست آن باشند چراکه آن‌ها خود واضع قانون‌اند و از واضع قانون بیشتر از دیگران توقع رعایت قانون می‌رود؛ بنابراین، بی‌شک افراد ناقض اصل حاکمیت قانون ثابت کرده‌اند که حقوق سایر افراد، نظم، امنیت و رفاه عمومی چندان مورداحترام آن‌ها نیست، پس مسلم و بدیهی است کسانی که در مقام تابع قانون، دست به نقض آن زده‌اند، قطعاً صلاحیت وضع قانون را نخواهند داشت (خسروی: ۲۵۱). فقدان پیشینه کیفری برای داوطلبان نمایندگی به‌صورت غالب در نظام‌های انتخاباتی کشورها شرط شده است. به‌عنوان نمونه بر اساس بند هشتم تا یازدهم از قسمت دوم قانون نمایندگی مصوب ۱۹۸۵ انگلستان، ورشکستگان اقتصادی که هنوز از زیر بار دیون خود رها نشده‌اند، محکومان به جرائم خیانت به کشور، کسانی که به بیش از سه ماه زندان محکوم شده‌اند، افراد دارای سابقه مشارکت در تقلب انتخاباتی و افراد دارای سابقه از دست دادن اموال عمومی به میزان بیش از دو هزار

۱ - ماده ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲

۲ - موضوع ماده (۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲

۳ - موضوع ماده (۷۱) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲

۴ - ماده ۳ قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۸

پوند (به تشخیص حسابرسان رسمی) نمی‌توانند در انتخابات سراسری به‌عنوان "نامزد" شرکت کنند (The Representation Of The People Act, 1951).

در آمریکا اگرچه مشخصات شخصی داوطلب از قبیل جرائم کیفری و پرداخت‌های مالیاتی به‌عنوان یک عنصر تبلیغاتی، می‌تواند در مرحله انتخاب، برای رأی‌دهندگان تعیین‌کننده باشد (Rasmus T. Pederson, 2019: 2) اما قبل از آن و در مرحله ثبت‌نام، کمیسیون فدرال انتخابات^۱ صلاحیت داوطلبان را از حیث پرداخت‌های مالیاتی، پیشینه کیفری - اطلاعاتی و سلامت جسمانی - روانی موردبررسی قرار خواهد داد (Megha Dharia, 2020: 3-4). در فرانسه نیز بر اساس مفاد ماده (۳) قانون اساسی، کسانی که از حقوق سیاسی و مدنی برخوردارند، حق شرکت در انتخابات دارند. بر اساس قوانین انتخاباتی فرانسه کسانی که به‌حکم قاضی به علت پاره‌ای از تخلفات حقوقی و جرائم کیفری از حق شرکت در انتخابات محروم هستند نمی‌توانند در فهرست انتخاباتی ثبت‌نام شوند (بزرگمهری، ۱۳۸۵: ۴۸). با نگاهی به قانون انتخابات ایران و همچنین رویه‌های علمی بررسی صلاحیت داوطلبان، می‌توان گفت که پیشینه کیفری در فرایند انتخابات در دو مرحله تأثیرگذار است. مرحله ثبت‌نام از داوطلبان و مرحله بررسی صلاحیت آن‌ها. این موضوع را می‌توان با تعمیق در انواع محکومیت‌های موضوع ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی^۲ و همچنین بررسی رویه‌های

1 - Federal Election Commission/ EfC.

۲ - ماده ۳۳ - اشخاص زیر از داوطلب شدن نمایندگی مجلس محروم‌اند:

۱ - کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر داشته‌اند.

۲ - ملاکین بزرگ که زمین‌های موات را بنام خود ثبت داده‌اند.

۳ - عضویت یا وابستگی اداری یا تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها، اشخاص حقوقی و یا همکاری با اشخاص حقیقی یا حقوقی که علیه منافع و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌نمایند یا غیرقانونی بودن آن‌ها از سوی مراجع ذی‌صلاح اعلام شده است.

۴ - کسانی که به جرم اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند.

۵ - محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالحه قضائی.

۶ - مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق و معتادین به مواد مخدر یا روان‌گردان.

۷ - محکومین به حدود شرعی مگر آنکه توبه آنان ثابت شده باشد.

۸ - محکومین قطعی به جرائم قاچاق انسان، مهمات، اسلحه، مواد مخدر، مواد روان‌گردان و مشروبات الکلی یا پول‌شویی و همچنین جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی است.

۹ - محجورین و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی باشند.

۱۰ - نماینده قانونی اشخاص حقوقی موضوع ماده (۱۴۳) قانون مجازات اسلامی که به یکی از مجازات‌های انحلال شخص حقوقی یا مصادره اموال یا ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم مطابق مواد (۲۰) و (۲۲) قانون مجازات اسلامی محکوم شده‌اند.

تشخیص صلاحیت - که پیشینه کیفری را با شرایطی از مصادیق نقض قانون و عدم التزام به قانون اساسی و یا در برخی از موارد احکام اسلام می‌داند - احراز کرد. از آنجاکه پرداختن به هر دو موضوع تحت تأثیر پیشینه کیفری، نیازمند مطالب و تحقیق جامع خود می‌باشد، در این مقاله تنها تلاش شده است که به تأثیر پیشینه کیفری در مرحله ثبت‌نام از داوطلبان بپردازد و به ابهام‌های این موضوع پاسخ دهد.

۳.۱. تأثیر پیشینه کیفری بر مرحله ثبت‌نام از داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی

تأثیر پیشینه کیفری بر مرحله ثبت‌نام از داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، به‌صورت محرومیت از ثبت‌نام برای در معرض انتخاب شدن خواهد بود و از آنجاکه نمایندگی مجلس شورای اسلامی از مصادیق حقوق اجتماعی محسوب می‌شود، درواقع باید گفت که محرومیت از ثبت‌نام به معنای محرومیت از یک حق اجتماعی است. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی از نظر فقهی، از نوع مجازات تعزیری و سالب حق می‌باشد که به‌عنوان مجازات اصلی و تبعی (تحت عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی - که در این پژوهش داوطلبی مجلس شورای اسلامی است - و انفصال از خدمات دولتی و عمومی) و در مواردی نیز به‌عنوان مجازات تکمیلی یا اقدام تأمینی و تربیتی (تحت عنوان انفصال از خدمات دولتی و عمومی) از سوی دادگاه صادر می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان تأثیر پیشینه کیفری بر محرومیت از داوطلبی را از دو منظر موردبررسی و تحلیل قرار داد. اول از جهت نوع و ماهیت مجازات محرومیت از داوطلبی و دوم از جهت مدت و زمان محرومیت از داوطلبی.

۳.۱.۱. محرومیت از داوطلبی حسب نوع و ماهیت آن

از آنجاکه محرومیت از داوطلبی در احکام کیفری، مجازات محسوب می‌شود، تحلیل تأثیر این محرومیت بر فرآیند انتخابات و مرحله ثبت‌نام، مستلزم بررسی ماهیت این مجازات است. تحلیل محرومیت از داوطلبی مجلس شورای اسلامی گاه می‌تواند حسب طبقه‌بندی آن به‌عنوان مجازات اصلی، تبعی یا تکمیلی باشد و گاه متأثر از تفکیک میان مجازات قانونی و قضایی تحلیل شود.

۳.۱.۱.۱. محرومیت از داوطلبی به‌عنوان مجازات اصلی، تبعی یا تکمیلی

تبصره- مراد از «نماینده قانونی شخص حقوقی» شخصی است که به موجب قانون یا اساسنامه مسئولیت و اختیار اداره شخص حقوقی را دارد، مانند مدیرعامل، هیئت‌مدیره یا عناوین مشابه.

۱۱ - محکومین به خیانت و کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء و غصب اموال دیگران و محکومین به سوء استفاده مالی به حکم محاکم صالحه قضائی

۱۲ - اتباع ایرانی که اقامت دائم کشور دیگری را دارند یا تابعیت کشور دیگری را داشته یا دارند.

۱۳ - محکومین قطعی به مجازات انفصال از خدمات دولتی و عمومی در زمان ثبت‌نام.

محرومیت از حقوق اجتماعی در احکام کیفری (پیشینه کیفری) می‌تواند به سه صورت یعنی مجازات اصلی، مجازات تبعی و یا مجازات تکمیلی تعیین شود. منظور از مجازات اصلی محرومیت از داوطلبی، محرومیتی است که قانون‌گذار به‌عنوان مجازات در قوانین جزایی به‌طور مشخص به آن اشاره کرده است. از مصادیق این نوع محرومیت مجازات محرومیت از داوطلبی در دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای ارتکاب جرائم موضوع مواد (۸۲) و (۸۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ است؛ بنابراین قاضی موظف است که در تعیین مجازات برای اشخاصی که مرتکب یکی از جرائم مذکور شده باشند، محرومیت از دو دوره از داوطلبی مجلس شورای اسلامی را به‌عنوان مجازات اصلی تعیین کند و از این جهت اختیاری در انعطاف (تخفیف، تشدید ...) یا حذف آن ندارد.

مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی در مواردی است که علاوه بر مجازات اصلی جرم ارتكابی و به‌صورت خودبه‌خود و برای مدت معین بر محکوم بار می‌شود، مجازات تبعی برخلاف مجازات‌های اصلی یا تکمیلی در دادنامه ذکر نمی‌شوند (بهری و شکری، ۱۳۸۹: ۱۱۲). از این رو می‌توان مجازات تبعی را مجازاتی دانست که به‌موجب قانون و بدون نیاز به حکم قضائی به سبب ارتکاب جرم خاص یا محکومیت به ارتکاب جرم و یا مجازات خاص و یا تحمل مجازات خاص بر شخص بار می‌شود (رستمی غازانی و واعظی، ۱۳۹۰: ۷۱). از مصادیق مهم مجازات تبعی محرومیت از داوطلبی نمایندگی، می‌توان به محرومیت تبعی ناشی از ارتکاب جرائم موضوع ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی و همچنین جرائم موضوع ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره کرد؛ بنابراین در صورتی که داوطلبی به یکی از مجازات بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی محکوم شود از حق اجتماعی نمایندگی مجلس شورای اسلامی موضوع بند (الف) ماده (۲۶) قانون مذکور محروم خواهد شد. این محرومیت همان چیزی است که در ادبیات حقوقی از آن به محکومیت کیفری مؤثر یاد می‌شود. از دیگر مصادیق مجازات تبعی محرومیت از حق داوطلبی، محکومیت به جرائم موضوع ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس است.

مجازات تکمیلی محرومیت از داوطلبی، مجازاتی است که اگرچه به‌عنوان مجازات اصلی ذکر نشده اما به‌عنوان یکی از ابزارهای تعیین مجازات در اختیار قاضی قرار داده شده تا در صورت نیاز برای تکمیل مجازات اصلی برای مجرم وضع شود. مجازات تکمیلی علاوه بر مجازات اصلی برحسب نوع و درجه محکومیت، برای مرتکب پیش‌بینی شده است (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۱۶) ولی انتخاب و اعمال آن به قضات محول شده و باید ضمن صدور حکم محکومیت باشد^۱. به همین خاطر قانون‌گذار در ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی^۲ به دادگاه این

۱ - نظریه شماره ۷/۲۵۳ مورخ ۱۳۷۸/۰۵/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲- ماده (۳۳): اشخاص زیر از داوطلب شدن نمایندگی مجلس محروم‌اند:

اختیار را داده است که اشخاصی که محکوم به حد، قصاص یا تعزیر شده‌اند را با رعایت شرایط قانون، وضعیت متهم و متناسب با جرم ارتكابی به یک یا چند مورد از مجازات تکمیلی ذیل ماده مذکور محکوم نماید. یکی از مصادیق مجازات تکمیلی در این ماده «انفصال از خدمات دولتی و عمومی» است. نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز از مصادیق خدمت دولتی یا عمومی محسوب می‌شود که محکومیت به انفصال از خدمات دولتی و عمومی، مانع از داوطلبی برای نمایندگی خواهد بود. بند (۱۳) ماده (۳۳) نیز به صراحت محکومیت قطعی به انفصال از خدمات دولتی و عمومی را مانع از ثبت نام دانسته است. اگرچه حکم انفصال از خدمات دولتی و عمومی می‌تواند به عنوان محکومیت اصلی نیز در دادنامه درج شود.

۲.۱.۱. محرومیت از داوطلبی به عنوان مجازات قانونی یا قضایی

منظور از مجازات قانونی، مجازات هر فعل یا ترک فعل مجرمانه است که در قانون به صورت صریح و کامل بیان شده است و قاضی می‌بایست همان نوع مجازات مصرح در قانون را اعمال نماید. در حقیقت مجازات قانونی یعنی همان تنبیه یا کیفری که قانون‌گذار برای عمل یا ترک عمل خاصی در متن قانون به آن تصریح نموده است و قاضی موظف است دلایل خود را در حکم بیان نماید (اردبیلی، ۱۳۸۶: ۱۵۵). از طرف دیگر قانون به دادگاه و قاضی اختیار داده است با رعایت شرایط و مقررات و وضعیت خاص متهم، مجازات قانونی را به اشکال دیگری مانند تعلیق، تخفیف یا تشدید مجازات و آزادی مشروط، تبدیل نماید. در واقع مجازات قضائی به معنی مجازات تعیین شده توسط قاضی در دادنامه می‌باشد (الهام و برهانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)؛ بنابراین می‌توان گفت مجازات قانونی مبتنی بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌باشد به نحوی که مجازات هر جرمی می‌بایست دقیقاً همان مقدار و نوعی باشد که در قانون برای آن نص صریح وجود دارد ولیکن قانون در مجازات قضائی به دادگاه و قاضی اختیار داده است با رعایت شرایط و مقررات و وضعیت خاص متهم، مجازات قانونی را به شکل دیگری تبدیل نماید.

مجازات تکمیلی نیز از آنجاکه به اختیار مقام دادرس گذاشته شده است از مصادیق مجازات قضایی محسوب می‌شود و اختیار دیگری است که وفق ماده ۲۳ قانون، قاضی در صورت اقتضا، حسب مورد می‌تواند از آن استفاده کند.

سؤال اساسی که در این خصوص مطرح است این است که مطابق با قوانین، ملاک و معیار محرومیت از حق اجتماعی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، کدام یک از انواع مجازات قانونی و یا قضایی است؟ این اختلاف

بند (۱) - ...

بند (۱۳) - محکومین قطعی به مجازات انفصال از خدمات دولتی و عمومی در زمان ثبت نام.

ناشی از تفاوت در منطوق میان ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی و بند (۸) ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی است. توضیح اینکه، حقوقدانان مستند به سیاق ماده (۲۵) که بر محکومیت مجرم تأکید کرده است، ملاک اعمال مجازات تبعی در ماده مذکور را معیار محکومیت و مجازات قضایی دانسته‌اند. از این منظر که تفسیر به نفع متهم نیز محسوب می‌گردد، هرچند که ممکن است که مجازات قانونی جرمی در قانون حبس درجه ۵ باشد اما در صورتی که دادگاه منطبق با مقررات با تخفیف مجازات قانونی در دادنامه حبس درجه ۶ صادر کند، مجازات تبعی (محکومیت کیفری مؤثر) دیگر اعمال نخواهد شد (با توجه به اینکه مجازات تبعی محرومیت از داوطلبی در حبس‌های درجه ۵ به بالا آغاز می‌گردد). لکن برخلاف این برداشت، قانون‌گذار در بند (۸) ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی معیار محرومیت از داوطلبی را محکومیت به «جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی» است دانسته است و از این جهت دایره شمول این محرومیت را توسعه داده و چه در ماده (۳۳) و چه در ماده (۲۵) ملاک محرومیت را عنوان مجرمانه مندرج در قانون و مجازات قانونی آن قلمداد کرده است؛ فارغ از هرگونه جهات تخفیف، تبدیل و یا تغییر حکم. بدین معنا، هر عنوان مجرمانه‌ای که مجازات اصلی آن مشمول یکی از کیفرهای موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی باشد، از داوطلبی برای نمایندگی محروم خواهد بود. به عبارت دیگر، جرائمی که مجازات اصلی آن‌ها سالب حیات، حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، شلاق حدی، نفی بلد و حبس درجه ۴ و درجه ۵ باشد، مانع از ثبت نام داوطلبی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. این معیار، شمول محرومیت را توسعه داده است. در این رابطه ممکن است مجازات جرمی حبس درجه ۵ باشد لیکن، دادرس با اعمال کیفیات مخففه مجازات حبس درجه شش برای مرتکب صادر کند. چنین محکومی، مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی نخواهد بود لیکن، مطابق با معیار اخیر بند (۸) ماده (۳۳) قانون انتخابات که ملاک محرومیت مجازات قانونی است، از ثبت نام داوطلبی برای نمایندگی بازخواهد ماند. لذا، بند مذکور، نسبت به ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی موسع بوده و دارای رابطه عموم و خصوص مطلق با آن است.

۳.۱.۲. محرومیت از داوطلبی حسب مدت و زمان آن

محرومیت از حقوق اجتماعی از جمله حق انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی، می‌تواند به صورت همیشگی و یا موقت باشد. گاه قانون‌گذار، به جهت اهمیت جایگاه نمایندگی، ارتکاب برخی از جرائم مهم را موجب محرومیت همیشگی از حق اجتماعی نماینده شدن می‌داند و در جرائم و یا سوابق کیفری کم‌اهمیت‌تر، این محرومیت را به صورت موقت و برای مدت معینی، اعمال می‌کند.

۳.۱.۲.۱. محرومیت همیشگی (دائم) از داوطلبی مجلس شورای اسلامی

اصل بر موقت بودن محدودیت و یا محرومیت از حقوق اجتماعی است، باین حال، برخی از حقوق اجتماعی از جهت ارتباط با سایر حقوق اشخاص و جامعه دارای اهمیت و حساسیت هستند که وجود سابقه کیفری مهم، باعث محرومیت دائمی مرتکب از آن حق اجتماعی می شود. از جمله این حقوق، حق اعمال ولایت، حاکمیت و سیاست گذاری برای جامعه مانند ریاست جمهوری و یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. شاید به همین خاطر باشد که قانون گذار در تعیین مجازات تعزیری در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، تنها یکی از مصادیق حقوق اجتماعی که با حقوق مردم و حاکمیت مرتبط است یعنی خدمات دولتی و عمومی را مشمول حکم انفصال دائم دانسته است و محرومیت از حقوق اجتماعی دیگر را به صورت موقت تعیین کیفر کرده است. حکم تبصره (۲) ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی مبنی بر محرومیت دائمی از مشاغل و مناصب مذکور بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۲۶) که نمایندگی مجلس شورای اسلامی جز آن هاست و همگی از مصادیق خدمات دولتی و عمومی محسوب می شوند، نیز مؤید این دیدگاه است. محرومیت دائمی از نمایندگی مجلس در پیشینه کیفری داوطلبان می تواند واجد دو منشأ باشد. اول محرومیت دائمی که مجازات اصلی محسوب می شود و دوم محرومیت دائمی که به عنوان مجازات تبعی اعمال می شود.

۳.۱.۲.۱.۱. محرومیت همیشگی ناشی از مجازات اصلی

در برخی از موارد قانون گذار، مجازات محرومیت از داوطلبی نمایندگی مجلس را به عنوان مجازات اصلی برای رفتار مجرمانه تعیین کرده است که به طور عمده تحت عنوان «انفصال دائم یا ابد از خدمات دولتی و عمومی» کیفر گذاری شده است که نمایندگی مجلس نیز یکی از مصادیق عمومی می باشد. به عنوان نمونه می توان به مجازات کلاهبرداری مشدد و اختلاس اشاره کرد که در آن ها انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی به عنوان مجازات اصلی تعیین شده است. در جرائم تعزیری درجه ۴ نیز دادگاه می تواند به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی به عنوان مجازات اصلی حکم نماید که در این صورت محکوم برای همیشه از داوطلبی برای نمایندگی

مجلس محروم خواهد شد. همچنین در ماده (۱۷)^۱ و ماده (۲۰)^۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، نیز چنین حکمی مقرر گردیده است.

۲.۱.۲.۱.۳. محرومیت همیشگی ناشی از مجازات تبعی

همان‌طور که بیان شد، مجازات تبعی، مجازات اصلی رفتار مجرمانه نبوده و به تبع نوع جرم و یا میزان مجازات اصلی تعیین شده در دادنامه، برای محکوم اجرا می‌شود. موضوع مجازات تبعی نیز، حقوق اجتماعی است. قانون‌گذار، گاه حسب مجازات صادرشده در متن دادنامه (مجازات قضایی) و گاه حسب محکومیت بر اساس «عنوان مجرمانه»، محکوم را از داوطلبی و ثبت‌نام در داوطلبی برای نمایندگی محروم کرده است. مهم‌ترین مصداق برای مجازات تبعی محرومیت دائمی، محکومیت به مجازات بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی است که در این صورت به استناد تبصره (۲) ماده (۲۶) همان قانون، به‌طور دائمی از حق اجتماعی نمایندگی مجلس محروم خواهد شد. همچنین محکومیت به برخی از عناوین مجرمانه، صرف‌نظر از مجازات تعیین‌شده در حکم، موجب محرومیت دائمی از نمایندگی داوطلبی است. به عبارت دیگر، محرومیت دائمی از نمایندگی، مجازات اصلی این جرائم نیست و به استناد قانون، چنین محرومیتی به تبع مجازات دیگر و به‌صورت دائمی خواهد بود. ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به دو شیوه مصداقی و مفهومی به عناوین مجرمانه‌ای که مانع از ثبت‌نام از داوطلبی نمایندگی مجلس می‌شوند اشاره کرده است. ارتداد، حدود شرعی، جرائم قاچاق انسان، مهمات، اسلحه، مواد مخدر و روان‌گردان و مشروبات الکلی، پول‌شویی، خیانت و کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا و غضب از مصادیق جرائمی هستند که موجب محرومیت دائم از نمایندگی مجلس می‌گردند. قانون‌گذار در مواردی نیز، با ارائه یک مفهوم و معیار و بدون ذکر مصادیق، برخی از محکومیت‌ها را

۱- ماده ۱۷ - در موارد زیر کارمند به‌طور دائم از خدمات دولتی منفصل خواهد شد:

۱ - عضویت در تشکیلات فراماسونری.

۲ - عضویت در یکی از فرق ضاله که خارج از اسلام شناخته شده‌اند.

۳ - مأمورین و منابع ساواک که فعالیت و یا گزارش ضد مردمی داشته‌اند.

۴ - عضویت در سازمان‌هایی که مرامنامه یا اساسنامه آن‌ها مبتنی بر نفی ادیان الهی است و یا طرفداری و فعالیت مؤثر به نفع آن‌ها.

۵ - عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت مؤثر به نفع آن‌ها.

۲- ماده ۲۰ - وزراء رژیم سابق و نمایندگان مجلسین و دبیران حزب رستاخیز در مراکز استان‌ها، مدیران کل حفاظت و رؤسای دوائر حفاظت و رمز و محرمانه، بعد از خرداد ۱۳۴۲ که توسط هیئت‌های پاک‌سازی و یا بازسازی نیروی انسانی محکومیت قطعی نیافته‌اند و یا پرونده آنان تاکنون مورد رسیدگی قرار نگرفته از خدمت در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها به‌صورت دائم منفصل می‌گردند ...

مانع از داوطلبی دانسته است. قانون‌گذار از این شیوه در بند (۴) و قسمت اخیر بندهای (۸) و (۱۱) ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی استفاده کرده است. در بند (۴) به مفهوم «جرم اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی» اشاره شده است که منظور رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که در آن مرتکب با قصد لازم نسبت به امنیت و یا حاکمیت داخلی و خارجی کشور اقدام نموده است که بیشترین مصادیق این جرائم در فصل اول بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی بیان شده است. در بند (۸) نیز قانون‌گذار جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ است را مانع از ثبت‌نام برای نمایندگی دانسته است و بر اساس موارد پیش گفته، معیار محرومیت از نمایندگی مجلس در این بند، «مجازات قانونی» جرائم است و نه مجازات قضایی صادرشده در دادنامه. همچنین در بند (۱۱) ماده (۳۳) قانون انتخابات، عبارت «سوءاستفاده مالی» ذکر شده است. چنین عنوان مجرمانه‌ای در قوانین وجود ندارد و معیار دقیقی برای تشخیص مصادیق نیست لیکن با توجه به ذکر مهم‌ترین جرائم مشابه دیگر مانند اختلاس، کلاهبرداری، ارتشا و ... به نظر می‌رسد منظور از سوءاستفاده مالی، سوءاستفاده از وجوه و اموال دولتی موضوع ماده (۵۹۸) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) باشد.

در خصوص این بخش، چند سؤال و ابهام قابل طرح است. اول اینکه، آیا ملاک در شمول حکم ماده (۳۳)، محکومیت قطعی به جرائم ملاک است یا محکومیت‌های بدوی نیز مدنظر قانون‌گذار نیز هست؟ برخی معتقدند باوجود قریب «محکومیت قطعی» در بندهای (۸) و (۱۳) ماده (۳۳) و همچنین اصل عدم صلاحیت در موارد شک و تردید، منظور از محکومیت در سایر بندها شامل محکومیت بدوی نیز خواهد شد. در مقابل عده‌ای بر این باورند، از آنجاکه محکومیت‌های بدوی در معرض نقض و یا براءت هستند می‌بایست حسب رعایت حقوق افراد تنها محکومیت قطعی نسبت به جرائم را واجد آثار یا مجازات تبعی دانست. ضمن اینکه، محکومیت در ادبیات حقوقی و کیفری اطلاق نداشته و تنها انصراف به محکومیت قطعی است. به نظر می‌رسد جریان اصل عدم صلاحیت، یک امر «شخصی» است و می‌بایست در مواردی اعمال شود که نسبت به صلاحیت یک داوطلب خاص شک و تردید حاصل می‌شود ولیکن، در مقام تردید نسبت به شمول یک حق برای عموم افراد که امری «نوعی» است اصل بر تضمین حقوق اساسی اشخاص است، لذا، در مقام تفسیر قانون که موجد تزییق یا توسعه یک حق عمومی است، اصل توسعه آن حق است.

دومین سؤال اینکه، با عنایت به ماده (۴۵۰) قانون مجازات اسلامی که قانون‌گذار اشعار داشته است در جانیات عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست دیه پرداخت شده و قصاص صورت نمی‌پذیرد، آیا می‌توان مجازات اصلی فردی که رأساً به دیه محکوم شده است را حسب ماده (۴۵۰) قانون مجازات، قصاص عضو مذکور در ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی دانست و فرد را برای همیشه از داوطلبی محروم نمود؟

برای پاسخ به این سؤال دو دیدگاه وجود دارد. برخی با تفسیر محدود و با استناد به ماده (۴۰۱) قانون مجازات اسلامی قائل به این موضوع هستند که با توجه به اینکه قانون‌گذار در این ماده اشعار داشته است که در جنایات مامومه، دامغه، جائفه، هاشمه، منقله، شکستگی استخوان و... قصاص ساقط بوده و مرتکب به دیه و تعزیر محکوم می‌شود، بنابراین وفق این ماده محکومیت به قصاص و محکومیت به دیه در جنایات عمدی، دو حکم مجزا بوده و آنچه در ماده (۲۵) مورد تأکید قرار گرفته است محکومین به قصاص بوده و محکومین به دیه مشمول رد صلاحیت دائم نمی‌شوند.

دیدگاه دیگر در این زمینه می‌گوید که ماده (۴۰۱) را باید در امتداد ماده (۴۵۰) تفسیر نمود و محکومیت به دیه (رأساً) زمانی اتفاق می‌افتد که بر اساس انتهای ماده (۴۰۱) و ماده (۴۵۰) خوف سرایت وجود داشته باشد؛ بنابراین محکومیت به قصاص در حکم مستتر بوده و فرد وفق ماده (۳۸۶) قانون مجازات به دلیل جنایت عمدی بر عضو، ابتداء به قصاص محکوم شده که به دلیل خوف سرایت و نبود شرایط، باید دیه پرداخت نماید؛ بنابراین دو حکم مجزا نیستند و محکومین به دیه نیز مشمول حکم ماده ۲۵ قانون مجازات (محکومین به قصاص با میزان دیه مشخص) بوده و از داوطلبی برای همیشه محروم خواهند شد. در عین حال این دیدگاه معتقد است که سایر قرائن قانون‌نویسی همچون ماده (۳۰۲) آیین دادرسی کیفری که رسیدگی به جنایت با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده است، موضوع را به این دریافت متبادر می‌سازد که برای قانون‌گذار، صرف محکومیت به دیه در جنایات عمدی، اهمیت داشته است. البته به عقیده نگارندگان باوجود آنکه دیدگاه دوم (موسع) به حقیقت نزدیک‌تر است اما اطلاق این حکم در مواردی که جنایت عمدی منجر به دیه بسیار ناچیز می‌باشد (با توجه به وجود پرونده‌های قضایی متعدد- در این میزان از جرم - که در محاکم دادگستری به علت سهل‌انگاری افراد در مراودات با یکدیگر تشکیل شده است)، صحیح نبوده و از این حیث به نظر می‌رسد بند (پ) ماده (۲۵) که محکومیت به دیه را به هر مقداری، با توجه به تبصره ماده (۲۶) مشمول محرومیت دائم دانسته، نیاز به اصلاح دارد.

در مقایسه و تدقیق در بندهای ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی و ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس، نکات ذیل موردتوجه است:

۱ - با توجه به صراحت بند (۷) ماده (۳۳) در مورد اطلاق حدود، به نظر می‌رسد اکتفای قانون‌گذار در ماده (۲۵) قانون به شلاق حدی، اختصار داشته و بهتر بود با توجه به جایگاه خطیر نمایندگی مجلس شورای اسلامی،

مطلق حدود^۱ در نظر گرفته می‌شد. اگرچه ظاهراً بند (پ) ماده (۲۵)، با بند (۷) ماده (۳۳) کامل می‌گردد.^۲ درعین‌حال باب توبه نیز در ماده (۳۳) لحاظ گردیده که در ماده (۲۵) اشاره‌ای بدان نشده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد امکان توبه در ماده (۲۵) و با توجه به وجوه شرعی در ظاهر ماده، حذف به قرینه گردیده و مستتر می‌باشد.

۲ - در ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی، تحقق هر یک از محکومیت‌های مذکور، موجب محرومیت دائم می‌گردد لکن استثنائاً مجازات حبس در صورتی موجب محرومیت دائم می‌گردد که در درجات یک تا پنج باشد، یعنی بیش از ۲ سال. (خود ۲ را شامل نمی‌شود). در صورتی که دامنه مجازات یک عنوان مجرمانه بین حبس درجه ۵ و ۶ در دوران باشد بر اساس نص قانون^۳، حبس درجه ۵ لحاظ شده و فرد از داوطلبی محروم خواهد شد.

۳ - منظور از توبه در بند (۷) ماده (۳۳) توبه واقعی می‌باشد که اگرچه اثبات آن سخت بوده اما بر اساس نظر شارع، قانون‌گذار آن را مدنظر قرار داده است.

۴ - در مورد بند (۹) ماده (۳۳)، مقتضی است حکم صادره توسط دادگاه‌های مرتبط با اصل (۴۹) صادرشده باشد نه دادگاه‌های عادی؛ بنابراین هرکس به حکم دادگاه و بر اساس اصل (۴۹) ثروت نامشروعی به دست آورده باشد، به‌صورت دائم از داوطلبی مجلس شورای اسلامی محروم می‌گردد.

۵ - در مورد محکومین بند (۱۱) ماده (۳۳)، منظور مدنظر قانون‌گذار از کلمه «خیانت» با توجه به مالی بودن این فراز، عنوان مجرمانه خیانت‌درامانت بوده است.

۶ - با توجه به تبعی بودن کیفر مندرج در بندهای ماده (۳۳) قانون انتخابات مجلس، همانند ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی، نیازی به تصریح محرومیت در حکم صادره نبوده و صرف ارتکاب عناوین مجرمانه مذکور، محرومیت دائم از داوطلبی به‌خودی‌خود شامل حال فرد خواهد گردید.

۱- جرائم موجب حد در کتاب دوم حدود از مواد ۲۱۷ الی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ عبارت‌اند از: زنا، لواط، تفخیذ، مساقحه، قوادی، قذف، سب نپی، مصرف مسکر، سرقت حدی، محاربه و بغی و افساد فی الارض.

۲ - بند (۷) ماده (۳۳): «محکومین به حدود شرعی به‌شرط آنکه توبه آنان ثابت نشده باشد.»

۳ - تبصره (۲) ماده (۱۹) - مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

۴ - اصل ۴۹ - دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سو استفاده از موقوفات، سو استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود.

۷ - شایان ذکر است که در سیاست‌های کلی انتخابات، بر سلامت اقتصادی و اخلاقی داوطلبان به نحو ویژه تأکید شده است، از این رو قانون‌گذار موظف است سایر موارد جرائم اقتصادی و اخلاقی را نیز به‌عنوان موارد محرومیت از انتخاب شدن تعیین کند و چون تعداد مصادیق این جرائم زیاد است، بهتر بود [به‌جای جزئی‌نگری و قانون‌گذاری مصداقی] «محکومیت قطعی به یکی از جرائم اقتصادی و اخلاقی» را به‌عنوان یکی از شروط سلبی تعیین می‌کرد (طحان نظیف و قلیچ پور، ۱۴۰۰: ۳۷).

۸ - در این پژوهش، آنچه مورد بررسی است جرائم عمدی است؛ بنابراین اگر جرائم غیرعمدی مورد بحث واقع شوند موضوع رد صلاحیت افراد قرار نمی‌گیرند و وفق ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی که تأکید کرده جرائم موضوع ماده، باید حتماً عمدی باشند^۱، بنابراین جرائمی موردنظر است که در آن‌هم عنصر علم و هم عنصر اراده وجود داشته باشد. اگرچه بحث عمدی بودن وفق ماده (۲۳) شامل مجازات قضایی (تکمیلی) نخواهد شد؛ اما بر اساس ماده (۲۵) شامل مجازات قانونی (تبعی) می‌گردد. مثلاً اگر کسی بر اثر سهل‌انگاری به ۳ سال حبس محکوم گردد، با توجه به اینکه حبس یک مجازات اصلی است و جرم ارتكابی نیز غیرعمدی بوده، مشمول محرومیت اجتماعی (مجازات تبعی) ماده (۲۵) نخواهد شد؛ اما همین فرد در صورتی که با نظر قاضی به مجازات تکمیلی دو سال محرومیت از خدمات عمومی و دولتی محکوم گردد، باوجود غیرعمدی بودن، اما امکان داوطلبی نمایندگی مجلس را در طول مدت محرومیت نخواهد داشت.

۳.۱.۲.۲. محرومیت موقت از داوطلبی برای مجلس شورای اسلامی

در برخی از موارد پیشینه کیفری و محکومیت موجب محرومیت موقت فرد از ثبت‌نام برای داوطلبی نمایندگی خواهد بود. در چنین حالتی پس از اتمام دوره محکومیت داوطلب می‌تواند حقوق اجتماعی خود را بازیابی نماید. قانون‌گذار گاهی این محرومیت موقت را به‌عنوان مجازات اصلی و گاهی نیز به اختیار دادگاه و به‌عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته است.

۳.۱.۲.۲.۱. محرومیت موقت ناشی از مجازات اصلی

رویه قانون‌گذار در این خصوص را می‌توان به سه شیوه شناسایی کرد. گاه قانون‌گذار محرومیت موقت یا انفصال موقت از مشاغل و خدمات دولتی را با ارجاع مجازات رفتار مجرمانه به درجات تعزیری ماده (۱۹) قانون تعیین کرده است. در برخی از موارد نیز، این محرومیت موقت به‌عنوان مجازات اصلی و در ذیل رفتار مجرمانه در مواد قانونی بیان شده است. قانون‌گذار رویه سومی را نیز اختیار کرده است که در آن به‌صراحت «محرومیت

۱- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت‌زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند.

موقت از داوطلبی مجلس شورای اسلامی» به‌عنوان مجازات اصلی تعیین شده است. در شیوه اول، محرومیت موقت از نمایندگی یا خدمات دولتی، بر اساس انگیزه، سوءپیشینه، شخصیت مرتکب و ... از گزینه‌های دادرسی برای تعیین کیفر است لیکن، در شیوه دوم و سوم، صدور این محرومیت موقت از داوطلبی مجلس قطعی و الزامی است. در شیوه اول، محرومیت از حقوق اجتماعی از درجه‌ی ۵ تا ۷ از نوع مجازات تعزیری از حداقل ۶ ماه تا حداکثر پانزده سال در نظر گرفته شده است. دادگاه باید در قبال جرائم مذکور، به استناد مواد قانونی شخص مجرم را به جرائم مندرج در هر درجه محکوم نماید که این محکومیت می‌تواند محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. لکن قانون‌گذار در شیوه دوم در برخی از جرائم و به‌عنوان مجازات اصلی، محرومیت موقت را تحت عناوینی کلی مانند انفعال موقت از خدمات یا مشاغل دولتی در نظر گرفته است و از آنجاکه نمایندگی مجلس شورای اسلامی از مصادیق خدمات و یا مشاغل دولتی محسوب می‌گردد این محرومیت از داوطلبی برای محکوم نیز لحاظ خواهد شد. به‌عنوان نمونه می‌توان به مجازات جرائم موضوع مواد (۵۷۲)، (۵۷۵)، (۵۷۶) و یا (۶۰۱) اشاره کرد.

همچنین از مهم‌ترین مصادیق شیوه سوم برای محرومیت موقت، می‌توان به مجازات ارتکاب رفتارهای موضوع مواد (۸۲) و (۸۳) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در آن محرومیت از داوطلبی در دو دوره نمایندگی مجلس در کنار مجازات درجه شش ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی (به‌استثنای حبس) به‌عنوان مجازات اصلی و الزامی در نظر گرفته شده است. در هاشم این مواد، نکته مهم این است که درواقع در بطن مجازات مذکور دو مجازات اصلی محرومیت از داوطلبی نهفته است. اولی حکم مندرج در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی در مورد تعزیر درجه ششم به‌استثنای حبس (محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال) و دومی حکم انتهای خود مواد (۸۲) و (۸۳) (محرومیت از داوطلبی در دو دوره نمایندگی) که به نظر می‌رسد دادرس، نمی‌تواند به دو مجازات مشابه در موضوع «محرومیت از حقوق اجتماعی» حکم صادر نماید و تنها باید به همان محرومیت از دو دوره از نمایندگی به‌عنوان مصداق «محرومیت از حقوق اجتماعی» بیش از شش ماه تا پنج سال» به‌عنوان درجه شش، بسنده نماید. این موضوع با اصول تفسیر مقررات جزایی به نفع متهم و منع مجازات مضاعف هماهنگی بیشتری دارد.

۲.۲.۲.۱.۳. محرومیت موقت ناشی از مجازات تکمیلی (تتمیمی)

مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی از نوع تکمیلی در ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی بیان شده است. بر اساس ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات تکمیلی محکوم کند». هدف اصلی از وضع

مجازات تکمیلی اثربخشی بیشتر و کمک به اصلاح رفتار مجرمان است (صالحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۳).

حسب بند (ت) ماده مذکور، قاضی می‌تواند حکم به انفصال از خدمات دولتی و عمومی را به‌عنوان مجازات تکمیلی صادر کند که در این صورت محکوم، از داوطلبی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی محروم خواهد شد. البته باید توجه شود که بر اساس تبصره ماده (۲۳) حداکثر طول مدت این مجازات تا دو سال است. وفق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه^۱ شروع دوره محرومیت از حقوق اجتماعی ممکن است از زمان صدور حکم قطعی و در کنار مجازات جرم اصلی، آغاز شود و زمان اجرای آن نیز از زمان قطعیت حکم و اجرای مجازات اصلی باشد و چنانچه اجرای هم‌زمان میسر نباشد پس از اجرای حکم اصلی شروع می‌گردد؛ بنابراین تشخیص آغاز و پایان مجازات تکمیلی، جهت تعیین چشم‌انداز فعالیت‌های سیاسی افراد و امکان داوطلبی برای نمایندگی مجلس، برای شخص داوطلب و هیئت‌های اجرایی و نظارت دارای اهمیت می‌باشد.

۴. نتیجه‌گیری

در قوانین جزائی ایران قبل و بعد از انقلاب محرومیت از داوطلبی انتخابات مجلس ذیل محرومیت از حقوق اجتماعی و در ردیف مجازات به آن اشاره شده است و سپس این مجازات به انواع تبعی، تکمیلی و اقدامات تأمینی و حتی به‌صورت مجازات مستقل تدوین و اعمال گردیده است. درعین حال بررسی حقوقی و دقیق مفهوم محرومیت از حقوق اجتماعی به‌صورت خاص در حوزه داوطلبی مجلس شورای اسلامی و تبیین مصادیق آن ضروری است تا با شفافیت حقوقی، حق انتخاب شدن اشخاص و به‌ویژه محکومان تضییع نگردد. در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون مجازات اسلامی، محکومان به حدود شرعی، فساد اداری، قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به مواد مخدر، از حق اجتماعی شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان کاندیدا محروم شده‌اند.

نگاهی به ماده (۳۳) قانون انتخابات، گویای آن است که برخی از محکومان از حق داوطلبی مجلس به‌طور دائمی محروم‌اند. در کنار این سند خاص، در قانون مجازات اسلامی به‌عنوان یک سند مادر در حوزه کیفر

۱- نظریه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۹: اصولاً احکام پس از قطعیت قابلیت اجرایی می‌یابند و در چگونگی اجرای مجازات تکمیلی در کنار مجازات اصلی، چنانچه مجازات تکمیلی هم‌زمان با مجازات اصلی قابل اجرا باشد (از قبیل حبس و منع از داشتن دسته‌چک)، اجرا به نحو هم‌زمان صورت می‌گیرد؛ و چنانچه اجرای هم‌زمان مجازات اصلی و تکمیلی میسر نباشد (مانند مجازات اصلی حبس و مجازات‌های تکمیلی انفصال موقت از خدمت دولتی یا عمومی)، وفق ماده ۵۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده یک «آیین‌نامه راجع به اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷»، اجرای مجازات تکمیلی «از زمان پایان یافتن مجازات حبس» و «بعد از اجرای حکم اصلی» شروع می‌شود.

خاطیان و مجرمان، در مواد (۲۵) و (۲۶) مواردی آمده است که با نداشتن سوءپیشینه کیفری برای ثبت نام به عنوان داوطلب، مرتبط است. در ماده (۲۵) به بازه زمانی محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکومان جرائم عمدی اشاره شده است. در ادامه در ماده (۲۶) از جمله مصادیق حقوق اجتماعی «داوطلب شدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی» ذکر شده است که مطابق تبصره (۲) همان ماده، محکومیت به مجازات تبعی ماده (۲۵) باعث محرومیت دائم داوطلب نمایندگی مجلس می گردد. بر اساس یافته های این پژوهش ملاحظه می گردد که قانون گذار عادی ایران همانند بسیاری از کشورها محکومان به برخی جرائم را از شرکت در انتخابات مجلس شورا به عنوان داوطلب به صورت دائم محروم کرده است.

در این پژوهش سعی شده برای اولین بار راجع به تأثیر پیشینه کیفری بر محرومیت از داوطلبی مجلس شورای اسلامی مذاقه گردد و ضوابط این محرومیت در مرحله ثبت نام، بیان شود. این امر باعث می گردد تا از نگاه بخشی و غیر ساختاری جلوگیری شده و درعین حال با آگاهی بخشیدن به افراد متقاضی داوطلبی، در وقت و زمان آنان و برگزارکنندگان انتخابات صرفه جویی شده و از حجم ثبت نام هایی که ناروا انجام گردیده بکاهد.

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

- ۱- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم). چاپ یکم. تهران: انتشارات میزان.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی. جلد دوم. چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان.
- ۳- باهری، محمد و شکری، رضا (۱۳۸۹). نگرشی بر حقوق جزای عمومی (مجموعه تقریرات محمد باهری و میرزاعلی اکبر داور). چاپ سوم. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۹). وسیط در ترمینولوژی حقوق. چاپ سوم. تهران: گنج دانش.
- ۵- خسروی، حسن (۱۳۸۷). حقوق انتخابات دموکراتیک. چاپ اول. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۶- زارعی، محمدحسین (۱۳۷۶). تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون. تهران: مدیریت دولتی.
- ۷- زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، جلد دوم. تهران: انتشارات جنگل.
- ۸- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات ساحل.
- ۹- منصوری نیا، زینب (۱۴۰۰). اصل حاکمیت قانون در سازمان‌های اداری. تهران: قانون یار.
- ۱۰- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان.

ب) مقالات

- ۱- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریسات جمهوری ایران و فرانسه. مجله حقوق اساسی، ۴ (۶۷)، ۴۵ - ۵۶.
- ۲- پور قهرمانی، بابک و تیموری، مهرداد (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی نهاد سجل قضایی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه. مجله حقوق تطبیقی، ۶ (۱)، ۵۹ - ۷۹.
- ۳- رستمی‌غازانی، امید و واعظی، امید (۱۳۹۰). مجازات تبعی در فقه امامیه، مجله دیدگاه حقوق قضایی، (۲)، ۶۵ - ۹۳.
- ۴- رضائی زاده، محمدجواد و داوری، محسن (۱۳۹۵). مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی. مجله دانش حقوق عمومی، ۵ (۱۴)، ۱۱۷ - ۱۴۲.
- ۵- شریفی، ماهرخ و رجبیه، محمدحسین (۱۳۹۵). بررسی سجل کیفری و عدم سوءپیشینه در حقوق ایران. مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۲ (۲)، ۱۹ - ۲۹.

- ۶- صالحی مقدم، مهدی؛ حسینی، شهربانو و اصغری، عبدالرضا (۱۳۹۸). چالش‌های فقهی تحمیل مجازات‌های تبعی و تکمیلی بر مرتکبان جرائم حدی و قصاص. مجله آموزه‌های حقوق کیفری، (۱۶)، ۱۵۷ - ۱۸۶.
- ۷- عباسی لاهیجی، بیژن؛ باقری خوزانی، محمدحسن و فراهانی، محمدصادق (۱۴۰۲). تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات، مجله پژوهش‌های نامه حقوق اسلامی ۱ (۵۹)، ۲۹ - ۵۲.
- ۸- عباسی، بیژن و جعفری، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب شونده‌گان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی. مجله حقوق تطبیقی، ۲ (۲)، ۱۱۵ - ۱۳۲.
- ۹- قیصری، نوراله؛ طاهری فدافن، دانیال و باقری فارسانی، مهدی (۱۳۹۴). مدیریت انتخابات در ایران، کیفیت و ارزیابی اجرا، پژوهش‌های راهبردی سیاست. مجله پژوهش راهبردی سیاست، ۴ (۱۳)، ۱۰ - ۳۴.
- ۱۰- گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). عدالت رویه‌ای و تحول‌گرایی در لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری. مجله پژوهش حقوق، ۲ (۲)، ۳۵۲ - ۳۸۶.
- ۱۱- منصوریان، مصطفی و باقری خوزانی، محمدحسن (۱۴۰۳). قلمرو صلاحیت قانون‌گذاری عادی در تعیین شرایط نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ رویه شورای نگهبان در بوته نقد، مجله پژوهش‌های نامه حقوق اسلامی (پذیرش‌شده برای انتشار)، ۱ - ۲۴.
- ۱۲- یاورى، اسدالله (۱۳۹۶). بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان، تأملی دیگر. مجله تحقیقات حقوقی، ۲۰ (۸۰)، ۲۱۳ - ۲۳۷.

۲. انگلیسی:

A) Articles

- ۱ - Megha Dharia, Rikki Lavine (2020). What Shoud Presidantial Candidates tell Us About Themselves? Proposals for Improving Transparency in Presidential Campaigns. Fordham University, 1-39.
- ۲ - Rasmus T. pedersen (2019). Voter reactions to Candidate background characteristics depend on candidate policy positions. Electoral Studies, pp.1-8.
- ۳ - The Representation of The Peaple ACT, 1951. An Act to provide for the conduct of elections to the Houses of Parliament (UN) and to the House or Houses of the Legislature of each State, 17th July, 1951. Available at:
<https://ceodelhi.gov.in/WriteReadData/ManualElectionLaw/REPRESENTATION%20OF%20THE%20PEOPLE%20ACT,%201950.pdf>